

فهرست مطالب

فصل اول: ماهیت روانشناسی -----
فصل دوم: تحول روانی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل سوم: ادراک -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل چهارم: هشیاری و حالت‌های دگرگونی آن -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل پنجم: یادگیری و شرطی‌سازی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل ششم: حافظه -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل هفتم: اندیشه و زبان -----
فصل هشتم: انگیزه‌های بنیادی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل نهم: هیجان‌ها -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل دهم: شخصیت و ارزیابی آن -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل یازدهم: تعارض و فشار روانی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل دوازدهم: رفتار اجتماعی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
فصل سیزدهم: نفوذ اجتماعی -----
مجموعه تست فصل با پاسخ: -----
روانشناسی پرورشی نوین.....
روانشناسی اجتماعی.....

فصل اول: ماهیت روانشناسی

- رویکرد هایی به روانشناسی:
- رویکرد عصبی زیستی: رفتار به رویدادهایی که در داخل بدن به ویژه مغز و دستگاه عصبی صورت می گیرد ارتباط داده می شود
- رویکرد رفتاری: از طریق مشاهده رفتار به مطالعه افراد پرداخته می شود و نه اعمال درونی آنها اولین بار توسط ج.ب. و استون ارایه شد نظریه محرک- پاسخ
- اسکینر نیز مرتبط با این رویکرد است که بدون توجه به اعمال درونی و تجربه های هشیار به بررسی رفتار فردی می پردازد که در علوم مهندسی به آن تحصیل برون دادی _ برون دادی میگویند
- رویکرد شناختی: آدمی به صورت نافعال گیرنده محرک ها نیست بلکه ذهن او به صورت فعالی به پردازش اطلاعات دریافتی دست می زند.
- شناخت: به فرایندهای ذهنی و ادراک، حافظه و خبرپردازی اطلاق می شود.
- کنت کریک: مانند یک کامپیوتر از قدرت الگوسازی یا شبیه سازی رویدادهای خارجی برخوردار (الگوی ذهنی واقعیت)
- رویکرد روانکاوی فروید: قسمت عمده رفتار آدمی در فرآیندهای ناهشیار ریشه دارند از نظر فروید آدمیان به طور عمده تحت فرمان غریزه جنسی و پرخاشگری هستند.
- رویکرد پدیدار شناختی: به تجربه خصوصی تاکید دارد. این نظریه با نظر شخصی فرد در عمده جهان و تفسیر رویدادها، یعنی پدیدارشناسی فرد سر و کار دارد مقولاتی از قبیل خود پنداره، احساس عزت نفس و خودآگاهی در این نظریه وجود دارد در این نظریه مسئله اراده آزاد در برابر جبر گرایی قرار دارد مانند وجود گراها: کی یرگیگارد. به دلیل تاکید بر ویژگی های تمایز دهنده انسان از حیوان مثل خودشکوفایی=انسان گرا این نظریه با گروههای رویارویی و تجارب هوشیاری گستر ارتباط نزدیکی دارد.
- تبیین رشد نگر: بر ریشه های تاریخی رفتار فعلی تاکید دارد: وراثت، محیط فرهنگی و یادگیری
- تبیین تعاملی: عواملی که همراه با هم بر فرد اثر می گذارند: انگیزه ها و نیازها در لحظه معین محرک هایی که ادراک می شوند و امکاناتی که برای عمل فراهم است

تعاریف روانشناسی

- ویلیام چیمز: دانش زندگی روانی ، همه پدیده های آن و شرایط این پدیده هاست

- ویلهلم وونت: مطالعه تجربی درونی

- استون کافکا کلرک و میلر: مطالعه رفتار

فصل دوم: تحول روانی

در میان تمام پستانداران، انسان برای رسیدن به خودکفایی، به طولانی ترین دوره رشد و یادگیری نیاز دارد. روانشناسان رشد با چگونگی و چرایی جنبه های مختلف رشد و تحول کنش های انسان در طول زندگی سروکار دارند. آنها بر رشد جسمانی - رشد شناختی و رشد اجتماعی و شخصیت تمرکز یافته اند.

سرشت و تربیت

از دیدگاه جان لاک، ذهن نوزاد همانند لوحی نا نوشته است که تجارب وی بر آن نقش می بندد. طبق نظر لاک، همه دانش ما از طریق حواس به دست می آید، یعنی دانش ما حاصل تجارب ماست و دانش چیزی درونی و ذاتی نیست. نظریه تحولی چارلز داروین، که بر بنیاد زیستی رشد انسان تاکید داشت، باعث شد بسیاری از نظریه پردازان بر وراثت تاکید جدی کنند. اما در قرن ۲۰ با سر بر آوردن رفتار گرایی، مجددا محیط گرایان مسلط شدند. رفتار گرایانی چون واتسون واسکینر مجددا سرشت انسان را کاملا قابل انعطاف دانستند. آموزش اولیه می تواند صرف نظر از آنچه کودک به ارث برده، او را به هر نوع بزرگسالی تبدیل کند. واتسون این نظریه را در شکل افراطی آن بیان کرد: ((چند کودک نو پای سالم به من بدهید و امکانی که برای پرورش آنها لازم می دانم در اختیارم بگذارید آن وقت تعهد می کنم صرف نظر از استعدادها، علاقه، تمایلات، توانایی ها، شغل و نژاد اجداد این کودکان، از بین آنها به طور تصادفی یکی را انتخاب و طوری تربیت کنم که هر متخصصی که می خواهم بشود: پزشک، گدا، ...)) امروزه اغلب روان شناسان، نه سرشت و نه تربیت، هیچ یک را به تنهایی عامل اصلی رشد نمی دانند، بلکه معتقدند این دو در جهت هدایت دائما با هم در تعاملند مثل نقش وراثت در صفات شخصیتی از قبیل اجتماعی بودن و ثبات عاطفی، بیماری های روانی، حتی شکل های از رشد تاثیر این تعیین کننده های ارثی در طی فرآیند ریش آشکار می شود که خود تابع زنجیره های فطری نمو و تغییرات نسبتا مستقل از رویداد های محیطی است برای مثال جنین طی برنامه ی زمانی ثابتی رشد می کند و رفتار جنین از قبیل غلتیدن، چرخیدن و حرکت پاها تابع توالی منظمی است که مرحله خاصی از رشد را تعیین می کند، عوامل محیطی نیز بر ریش بهنجار جنین اثر می گذارد. رشد حرکتی نوزاد پس از تولد نیز حکایت از تعامل بین برنامه های ارثی ریش و تاثیرات محیط دارد. تقریبا همه کودکان، زنجیره ی واحدی از رفتارهای حرکتی را با توالی همانندی از سر می گذرانند، غلتیدن - نشستن بدون استفاده از تکیه گاه، ایستادن به کمک وسایل منزل، سینه خیز رفتن و سپس راه رفتن. پژوهش های اخیر نشان داده که تمرین یا تحریک بیشتر می تواند تا حدودی رفتارهای حرکتی را تسریع کند. رشد گفتار نمونه دیگری از تعامل بین خصوصیات ارثی و تجربه فراهم می آورد. توجه داشته باشید که سرعت اکتساب مهارت ها و نه سطح نهایی آنها از محیط تاثیر می پذیرد.

معمولا ترتیب رشد رفتارهایی مانند غلتیدن و سینه خیز رفتن در سن کودکان؟ (ارشد ۸۰-۷۹)

الف- متفاوت است ب- بستگی به محیط پرورشی دارد ج- کاملا یک خصوصیت فردی است

د- یکسان است

پاسخ گزینه د

مراحل رشد:

مرحله در نزد روان شناسان چند ویژگی دارد از جمله ۱- در هر مرحله رفتار حول موضوعی بارز یا مجموعه خصوصیات به هم پیوسته ای سازمان یافته اند ۲- رفتارهای هر مرحله با رفتارهای مراحل قبل و بعد کیفی دارند ۳- این مراحل و ترتیب توالی آنها در مورد همه کودکان یکسان است و این مراحل جهانشمول هستند. در ارتباط نزدیک با مفهوم مراحل، مفهوم دوره حساس در رشد انسان است - دوره های سرنوشت سازی در زندگی فرد که طی آنها باید رویدادهای خاصی صورت گیرد تا رشد طبیعی میسر شود.

دوره ۶ تا ۷ هفتگی بعد از لقاح ، دوره حساسی برای رشد طبیعی اندام های جنسی می شود و اینکه اندام جنسی اولیه به ساختار جنسی زنانه تبدیل شود یا مردانه ، صرف نظر از آرایش کروموزومی XX یا XY وابسته به هورمون مردانه است و در هر دو مورد فقدان آن منجر به رشد اندام جنسی زنانه می شود .

پس از تولد ، دوره حساسی برای رشد بینایی وجود دارد . اگر آب مروارید کودکانی که با این بیماری متولد می شوند تا ۷ سالگی درمان شود ، بینایی آنها تقریباً به طور طبیعی رشد می کند .

وجود دوره حساس در زمینه رشد روانی کودک به اثبات نرسیده است . بهتر است بگوئیم در این مورد دوره های حساس (مهم) وجود دارد که برای حوزه خاصی از رشد ، بهینه محسوب می شوند . سال اول زندگی برای شکل گیری دلبستگی های صمیمانه بین فردی و سال های پیش دبستانی برای رشد فکری و اکتساب زبان ، دوره مهمی است . کودکانی که تا سنین ۶-۷ سالگی تجارب زبانی کافی ندارند ، ممکن است به طور کلی ، موفق به اکتساب مهارت های زبانی نشوند .

توانایی های نوزاد :

ویلیام جیمز اظهار داشت که نوزاد دنیا را به صورت صحنه ی آشفته یی از صوت و تصویر تجربه می کند . روان شناسان رشد برای بررسی توانایی های نوزاد به ابداع برخی شیوه های بسیار ابتکاری پرداختند . اساس این روش ها ، ایجاد تغییراتی به شیوه خاص در محیط کودک و مشاهده پاسخ های کودک است .

بینایی :

- نوزادان از دقت بینایی کمی برخوردارند ، بسیار نزدیک بین هستند و توانایی آنها در تغییر نقطه تمرکز چشم محدود است .
- دید کودکان در دو سالگی به خوبی دید یک بزرگسال می شود .
- نوزادان از لحاظ بینایی معمولاً علاقه مند به مواردی از محیط خود می شوند که دارای بیشترین تضاد باشد (مانند لبه های اشیاء ۲- دارای پیچیدگی زیاد باشد ۳- طرح انحنای دار باشد ۴- دارای حرکت باشد)
- نوزادان به چهره ی آدمی علاقه زیادی نشان می دهند . نوزادان صرفاً مجذوب چهره آدمی نمی شوند . بلکه مجذوب خصوصیات برانگیزنده از قبیل خط های منحنی ، تضاد زیاد ، لبه های جالب و حرکت و پیچیدگی می شوند که همگی در چهره آدمی دیده می شود . تا ۲ ماهگی توجه بیشتر بر اجزای چهره از قبیل چشم ، بینی و دهان متمرکز می شود .

شنوایی :

نوزادان در برابر صدای بلند می خورد و علاوه بر این ، سرشان را به سوی منبع صدا بر می گردانند . پاسخ گردانیدن سر تا ۶ هفتگی ناپدید می شود .

- ۳-۴ ماهگی ، شروع مرحله ی جستجوی چشمی منبع صدا است .
- در ۴ ماهگی ، کودکان حتی در تاریکی هم دست خود را در جهت منبع صدا حرکت می دهند .
- در ۶ ماهگی ، کودکان به صداهایی که با مناظر جالب همراه باشند ، توجه فراوان نشان می دهد و می توانند محل صدا را دقیق تر مشخص کنند . پیشرفت این توانایی با ورود به سال دوم زندگی نیز هم چنان ادامه می یابد .
- نوزادان تفاوت بین صداهای مشابه را از قبیل دو صوت که روی مقیاس موسیقی فقط یک نت با هم تفاوت دارند ، و تفاوت صدای انسان را از صداهای دیگر ، و خصوصیت متنوع گفتار آدمی را در می یابند .
- نوباوه ی یکماهه می تواند صداهای مشابه مانند ((پا)) و ((با)) را از یکدیگر تمیز دهد .
- بارسیدن کودک به ۶ ماهگی ، اطلاعات او درباره ی زبان به حدی است که می تواند اصواتی را که در زبانشان رایج نیستند به کار نبرد .
- نوزاد آدمی با برخی سازو کارهای ادراکی هم خوان با ویژگی های گفتاری انسان به دنیا می آید همان سازو کارهایی که او را در فراگیری زبان یاری می دهد .

چشایی و بویایی

نوزادان اندکی پس از تولد تفاوت مزه ها را تمییز می دهند و مایعات شیرین را به مایعات شور ، تلخ یا بی مزه ترجیح می دهند . نوزاد بوهای مختلف را نیز از هم تمییز می دهند . نوباوگان حتی قادر به تمییز تفاوت های جزئی بین بوها هستند . نوعی رجحان فطری برای رایحه ی شیر مادر وجود دارد .

نوزادان هنگام تولد ، قادر به تمییز دادن بوها و مزه های متنوع از هم می باشند .

کدامیک از عبارات زیر در مورد همه نوزادان صحیح نمی باشد ؟ (سال ۸۰-۷۹)

الف- حس بویایی نوزادان بوهای مطبوع را تشخیص می دهد

ب- نوزاد می تواند صداهای تازه را تشخیص دهد

ج- نوزادان یک یا دو روزه قادرند فرق بین طعم های مختلف را تشخیص دهند .

د- نوزاد می تواند از اولین روزهای زندگی اشیاء را به دقت ببیند .

پاسخ: گزینه د

یادگیری و حافظه :

در چند بررسی ، شواهدی درباره ی توانایی یادگیری و یادآوری نوزادان به دست آمده است . نوزادان در سه ماهگی حافظه های خوبی دارند . شواهدی نیز حاکی از آن است که نوباوگان از تجارب قبل از تولد خود در زهدان مادر ، چیزهایی را آموخته و به یاد می آورند . نوزادان هم چنین صدای ضربان قلب و صدای زنان را بر صدای مردان و صدای مادر خود را بر صدای زنان دیگر ترجیح می دهند ، ولی صدای پدر را بر صدای مردان دیگر ترجیح نمی دهند . شواهدی است حاکی از این که جنین در زهدان واقعا یاد می گیرد که بعضی ویژگی های صوتی کلمات را تمییز دهد . نوزادان داستان آشنا را که در دوران جنینی شنیده اند بر داستان نا آشنا ترجیح می دهند .

از دیدگاه پیازه کودک زمانی قادر به تقلید می باشد که بتواند تصویر ذهنی بسازد ، یعنی در حدود ۱۸ ماهگی در مجموع ، پژوهش هایی که توصیف شد مخالف این دیدگاه است که جهان در نظر نوزاد انبوهی از سرو صدا یا شکل های بی معنا است یا این که کودک همانند لوح سفید نانوشته بی پا به دنیا می نهد .

رشد شناختی در دوران کودکی :

شیوه ی توصیف روان شناسی معاصر از تغییرات هوش ، به شدت تحت تاثیر پیازه است .

پيازه بر تعامل رشد طبیعی استعداد های کودک با پیوندهای وی با محیط تاکید کرد .

اندیشه های لئوویستکی درباره رشد شناختی در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفت .

نظریه مرحله بی پیازه

پيازه به جای آنکه کودک را پذیرنده ی نافع اعمال مقتضیات رشد زیستی یا محرک های تحمیل شده از بیرون بداند ، او را در این فرآیند بیشتر مشارکت کننده ی فعال می دانست . پیازه کودکان را دانشمندان محقق می دید که با اشیاء و رویدادهای محیط شان دست به تجربه می زنند تا ببینند چه اتفاقی می افتد .

این آزمایش ها برای ساختن طرحواره ها - یعنی نظریه هایی درباره نحوه عمل دنیای فیزیکی و اجتماعی به کار می رود . در

مواجهه با هر شی یا رویداد تازه ، کودک سعی میکند آن را درون سازی کند . یعنی آن را در چهارچوب طرحواره های موجود

خود درک کند . اگر طرحواره موجود انطباق نداشته باشد . کودک همانند دانشمندان در طرحواره تغییراتی وارد می کند و از

این راه جهان بینی خود را گسترش می دهد. پیازه این فرایند را ((انطباق)) خواند. واکنشهای کلی کودک به دوری و بازگشت

مراقب به دو عامل بستگی دارد :

الف- پاسخگویی مراقب به کودک ب- مزاج خود کودک

پيازه رشد شناختی را به چهار مرحله ی عمده و هر مرحله را به چند مرحله فرعی به شرح زیر تقسیم کرد :

مرحله حسی - حرکتی :

پیاژه ۲ سال اول زندگی را مرحله ی حسی و حرکتی نامید . مرحله ای که در آن کودکان سرگرم کشف رابطه بین اعمال خود و پیامدهای آن اعمال هستند . با این شیوه ، کودکان به مفهومی از خویشتن به عنوان موجودی جدا از دنیای خارج دست می یابند . کشف مهم کودک در این مرحله دستیابی به مفهوم پایداری شی است یعنی آگاهی از این که حتی وقتی اشیاء در معرض حواس نیستند بازهم وجود دارند . کودک ۱۰ ماهه به مفهوم پایداری شی رسیده است . با این حال حتی در این سن نیز جستجوی کودک محدود است . در حدود یکسالگی است که کودک صرفه نظر از این که در کوشش های قبلی چه اتفاقی افتاده است ، همواره اسباب بازی را در محلی که آخرین بار از نظرش پنهان شده جستجو می کند . آگاهی کودک از این که یک شی حتی اگر از حیطه حسی او دور باشد ، پیوسته موجودیت خود را حفظ می کند ، چه نامیده می شود ؟

الف- مفهوم پایداری شی ب- انباشت ذهنی ج- بازگشت پذیری د- نگهداری جرم
پاسخ : الف

در چند ماهگی کودک به مفهوم پایداری شی دست یافته است ؟

الف- ۶ ماهگی ب- ۸ ماهگی ج- ۱۰ ماهگی د- ۱۲ ماهگی
پاسخ : گزینه ج

مرحله پیش عملیاتی :

در حدود ۲-۱/۵ سالگی ، کاربرد نماها آغاز می شود . هر چند کودکان ۴-۳ ساله می توانند به شیوه نمادی فکر کنند اما واژه ها و تصاویر آنها هنوز به شیوه منطقی سازمان نیافته اند . طی این مرحله ی پیش عملیاتی ، کودک هنوز قادر به درک برخی قواعد یا عمیات نیست . عملیات عبارت است از روش ذهنی جداسازی ، ترکیب و یا تغییر دادن اطلاعات به شیوه ی منطقی . کودکان پیش عملیاتی هنوز به نگهداری ذهنی - درک این که مقدار ماده حتی وقتی شکل آن تغییر می یابد ، باز هم ثابت باقی می ماند - نرسیده اند . پیاژه معتقد بود که تفکر پیش عملیاتی زیر سلطه تاثیرات بصری است . اتکای کودکان بر تاثیرات بصری شان را ، آزمایش نگهداری عدد ، نشان می دهد . کودکان ۷ ساله به نگهداری ذهنی رسیده اند . خصوصیت دیگر کودکان پیش عملیاتی ، خود محوری است . کودکان پیش عملیاتی به جز چشم انداز خودشان از چشم انداز دیگر نا آگاهند . آنها معتقدند که دیگران نیز محیط را به شیوه خود آنها ادراک می کنند . به منظور نشان دادن این وضع پیاژه مساله سه کوه را ابداع کرد . پیاژه معتقد بود که خود محوری، انعطاف ناپذیری تفکر پیش عملیاتی را تبیین می کند . در این مرحله کودک به پیامد کار دقت دارد نه نیت آن.

از نظر پیاژه کاربرد نمادها ، مثلا استفاده از چوب به عنوان اسب در چه مرحله ای از رشد شناختی آغاز می شود ؟ (سال ۸۹-)

(۸۸)

الف- حسی و حرکتی ب- پیش عملیاتی ج- عملیات عینی د- عملیات صوری
پاسخ : گزینه ب

ثبات جنسگونه: جنسیت فرد علی رغم بروز تغییرات در سن و ظاهرش ثابت می ماند. کودک در مرحله پیش عملیاتی به این ثبات می رسد.

تفکر مادی در مرحله پیش عملیاتی شکل می گیرد.

مراحل عملیاتی

بین ۷- ۱۲ سالگی ، کودکان بر مفاهیم گوناگون نگهداری ذهنی تسلط می یابند و دستکاری منطقی دیگری آغاز می کنند . آنها می توانند اشیاء را بر اساس یک بعد ، مرتب سازند ، علاوه بر این می توانند برای مجموعه ای از اعمال ، دست به بازنمایی ذهنی بزنند . در مرحله عملیات عینی ، هر چند کودکان در این مرحله واژه های انتزاعی به کار می برند ، اما محدوده کاربرد این واژه ها ، اشیایی است که مستقیما حس می شوند . یعنی اشیایی که دسترسی حسی مستقیم به آنها دارند.

عملیات صوری

در حدود ۱۱-۱۲ سالگی، کودکان به شیوه های تفکر بزرگسالانه دست می یابند. این مرحله عملیات صوری است، یعنی مرحله ای که فرد می تواند به صورت کاملا نمادی استدلال کند. بر خلاف کودکان مرحله عملیات عینی که به صورتی غیر نظامدار و با تغییر بعضی از متغیرها دست به آزمایش می زنند، نوجوانانی با توانایی ذهنی حتی متوسط نیز سلسله فرضیه هایی طرح می کنند و با روشی نظامدار به آزمون آن فرضیه ها می پردازند. در نظر گرفتن همه شق های احتمالی، یعنی واریسی پیامدهای هر فرضیه و تایید یا رد این پیامدها، اساس تفکر عملیات صوری است. جدول صفحه بعد، مراحل رشد شناختی از نظر پیاژه در صفحه یعد ذکر شده است.

درک تدریجی نگهداری ذهنی مربوط به کدام دوره تحول شناختی پیاژه محسوب می شود؟ (۹۶-۹۵)

الف- حسی- حرکتی

ب- پیش عملیاتی

ج- عملیات عینی

د- عملیات انتزاعی

پاسخ گزینه ب است.

نقد نظریه پیاژه

یکی از انتقادات به پیاژه این است که تفکر کودک را کمتر از آن چیزی که هست برآورد کرده است. یک انتقاد دیگر این است که جواب به آزمایش های پیاژه مستلزم توانایی زبانی است که کودکان سنین پایین فاقد آن هستند.

سایر دیدگاه ها

رویکردهای پردازش اطلاعات - این دسته نظریه پردازان را گاهی نوپیاژه ای می نامند که رشد شناختی را اکتساب مهارت های مستقل پردازش اطلاعات می دانند (دارای مراحل ناپیوسته رشد)

رویکردهای دانش اندوزی - در این رویکرد معتقدند که بعد از مرحله نوپایی تفاوت عمده بین کودک و بزرگسال مربوط می شود به گنجینه بیشتر و گسترده تر دانش بزرگسالان و نه مراحل بالاتر آن از نظر آنها رشد دارای مراحل پیوسته است.

رویکردهای اجتماعی و فرهنگی:

از انتقادهای رویکردهای اجتماعی و فرهنگی بر نظریه پیاژه این است که پیاژه بر تعامل کودک با محیط تاکید داشت اما مقصود او از محیط، همان محیط فیزیکی دوروبر کودک بود. چهارچوب اجتماعی و فرهنگی که کودک در آن قرار گرفته، هیچ نقشی در نظریه پیاژه ندارد. ولی بخش عمده ای از چیزهایی که کودک در حال رشد باید بیاموزد، شیوه های ویژه و قراردادی نگرش محیط فرهنگی او به واقعیت است.

از نظر کسانی که رویکرد اجتماعی - فرهنگی به رشد دارند، کودک را باید به عنوان تازه واردی به فرهنگ خاص در نظر آورد که با یادگیری نحوه نگاه کردن به واقعیت اجتماعی از دید آن فرهنگ، سعی می کند بومی شود.

مراحل رشد شناختی از نظر پیاژه :

ویژگی ها	مرحله
۱- خود را از اشیا تمیز میدهد . ۲- خود را به عنوان عامل (فاعل) اعمال خویش باز می شناسد و شروع به فعالیت هدفمند می کند برای مثال ، ریسمانی را می کشد تا شی قابل حرکتی را به حرکت در آورد ، یا جفجغه را تکان می دهد تا صدا ایجاد کند . ۳- به مفهوم پایداری شی دست می یابد : درک می کند که اشیا حتی حواس را تحریک نمی کنند باز هم وجود دارند .	۱- حسی- حرکتی (تولد تا ۲ سالگی)
۱- استفاده از زبان و بازنمایی اشیا به صورت تصویر ذهنی و واژه را یاد می گیرد . ۲- تفکرش هنوز خود محور است : نگرستن از دید دیگران برایش مشکل است . ۳- اشیا را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی می کند ، برای مثال ، همه قطعات چوبی قرمز را صرفه نظر از شکل آنها ، یا تمام قطعات چوبی مربعی شکل را صرفنظر از رنگ آنها، در یک گروه قرار می دهد .	۲- پیش عملیاتی (۲-۷ سالگی)
۱- می تواند درباره اشیا و رویدادها به طور منطقی فکر کند . ۲- به نگهداری عدد (۶ سالگی ، جرم (۷ سالگی) و وزن (۹ سالگی) دست می یابد (به مفهوم نگهداری ذهنی می رسد) ۳- اشیا را بر اساس چند ویژگی طبقه بندی می کند و می تواند آنها را بر حسب بعد معینی ، نظیر اندازه ردیف کند .	۳- عملیات عینی (۷-۱۱ سالگی)
۱- می تواند به طور منطقی درباره گزاره های مجرد فکر کند و به طور نظامدار به ازمون فرضیه ها پردازد . ۲- به مسایل فرضی ، آینده و جهان بینی می پردازد .	۴- عملیات صوری (۱۱ سالگی به بعد)

خاستگاه این رویکرد به رشد شناختی را می توان در آثار ویگوتسکی معتقد بود که درک و مهارت اساسا از طریق مفهوم شاگردی (کار آموزی) گسترش می یابد : با یاری و راهنمایی افراد با اطلاع تر (بصیر) ، دنیای خود را بیشتر در می یابیم و مهارت های جدیدی کسب می کنیم ، ویگوتسکی بین دو سطح رشد شناختی نیز تمایز قائل شد : یکی سطح رشد واقعی که در توانایی حل مسئله نمایان می شود و دیگری سطح رشد بالقوه که در نوع و شیوه مسئله گشایی کودک تحت راهنمایی دیگران تعیین می شود . چون زبان وسیله اولیه تبادل مفاهیم اجتماعی است ، ویگوتسکی رشد زبان را در رشد شناختی دارای نقش اساسی دانست ، در واقع او اکتساب زبان را مهم ترین جنبه ی رشد کودک می دانست . کودکان به هنگام تمرین هر مهارت جدید از توانایی زبانی خود برای هدایت اعمال خود استفاده می کنند . آنچه را که پیاژه به عنوان گفتار خود محور تلقی می کند ، ویگوتسکی عنصر اساسی رشد شناختی به شمار می آورد . کودکان به منظور هدایت و جهت دادن به خودشان با خود حرف می زنند . این نوع خود آموزی ، گفتار خصوصی Private speech نامیده می شود .

بر اساس نظریه پیاژه کودک ۸ ساله از نظر شناختی کدام ویژگی را دارد؟ (ارشد ۹۳)

- الف- دارای تفکر خود محورا است
ب- اشیا را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی می کند
ج- به نگهداری عدد و جرم دست یافته
د- می تواند درباره گزاره ی مجرد فکر کند
- پاسخ گزینه ج است.

رشد قضاوت اخلاقی

پیاژه بای رشد اخلاقی کودک مراحل قائل بود او فکر می کرد که درک کردن کودکان از قواعد اخلاقی و عرف اجتماعی با سطح کلی رشد شناختی آنان همگام است :

مرحله اول - نخستین مرحله ی درک قواعد ، در ابتدای دوره پیش عملیاتی ظاهر می شود . کودکان در این مرحله دست به بازی های موازی می زنند که در آن هر کودک از مجموعه قواعد خاص خودش پیروی می کند .

مرحله دوم در ابتدای ۵ سالگی که مرحله واقع‌گرایی اخلاقی نام دارد. در حدود ۵ سالگی، احساس وظیفه برای مراعات قواعد و تلقی قواعد به عنوان الزامات اخلاقی مطلق که یک مرجع قدرت هم چون خدا یا والدین تعیین کرده رشد می‌یابد. قواعد مقولاتی پایدار و مقدس و تغییر ناپذیرند و اطاعت مو به مو از آنها مهم‌تر از هر گونه دلیلی برای تغییر آنهاست. در این مرحله قضاوت کودک درباره هر عمل، بیشتر بر اساس پیامدهای آن است و نه بر مبنای قصد و نیت فاعل آن.

در مرحله سوم کودک رفته رفته در می‌یابد که برخی قواعد، قرار دادهای اجتماعی هستند. در این مرحله واقع‌گرایی اخلاقی کودکان نیز کاهش می‌یابد و در قضاوت اخلاقی خود وزن و اعتبار بیشتری برای ملاحظات غیر عینی از قبیل قصد و نیت شخص قایل می‌شوند و تنبیه را بر خاسته از انتخاب آدمیان می‌بینند و نه کیفر اجتناب ناپذیر نیروهای ماوراء طبیعی. در مرحله چهارم آغاز مرحله عملیات صوری با مرحله چهارم و نهمی درک کودکان از قواعد اخلاقی نیز هم‌زمان است. نوجوانان علاقه دارند. حتی در مورد موقعیت‌هایی که هیچ‌گاه با آنها رو به رو نشده‌اند قواعدی ارائه دهند. مشخصه این مرحله، استدلال اخلاقی مبتنی بر نوعی جهان بینی است که در آن به جای موقعیت‌های شخصی و بین فردی، مسائل اجتماعی گسترده‌تری مورد توجه است.

دوره‌های استدلال اخلاقی کلبرگ

کلبرگ، کار پیازه را در مورد استدلال اخلاقی گسترش داد تا نوجوانی و بزرگسالی را نیز در بر گیرد. کلبرگ با ارائه تنگناهای اخلاقی در قالب داستان، تلاش کرد مراحل جهانشمول در رشد قضاوت اخلاقی را مشخص نماید. کلبرگ اعتقاد دارد که رشد اخلاقی کودک در ۳ سطح و ۶ مرحله صورت می‌گیرد.

کلبرگ معتقد بود همه کودکان تا حدود ۱۰ سالگی، یعنی زمانی که ارزیابی اعمال خود از دید دیگران آغاز می‌شود (سطح دوم) در سطح اول قرار دارند. اغلب کودکان می‌توانند تا ۱۳ سالگی در این سطح استدلال کنند. به پیروی از پیازه، کلبرگ این نظر را پیش کشید که فقط کسانی قادر به تفکر به شیوه عملیات صوری رسیده باشند. بالاترین مرحله (مرحله ششم) مستلزم دستیابی به تدوین اصول اخلاقی انتزاعی و رعایت آنها به منظور اجتناب از سرزنش خویش است. کلبرگ گزارش کرد که در کمتر از ۱۰ درصد آزمون‌های بزرگسال پاسخ کاملاً مبتنی بر اصول مرحله ششم تفکر دیده می‌شود.

مهمترین روش آموزش اصول اخلاق به کودکان چیست؟ (ارشد ۹۴)

الف- سر مشق‌گری بزرگترها ب- آموزش‌های مستقیم

ج- تدوین کتب مناسب د- استفاده از رسانه‌های گروهی

پاسخ گزینه الف است.

کلبرگ مرحله ششم نظریه خود را در آخر زندگی اش حذف کرد. امروزه به سطح سوم این نظریه گاهی استدلال مبتنی بر اصول مرحله ی بالا گفته می‌شود. کلبرگ شواهدی برای توالی مراحل رشد اخلاقی در کودکان از چند فرهنگ، ارائه کرد. از سوی دیگر، شواهدی حاکی از آن است که افراد در موقعیت‌های متفاوتی را به کار می‌گیرند و توالی مورد نظر کلبرگ دیده نمی‌شود. از نظریه کلبرگ به علت ((مرد محور بودن)) نیز انتقاد شده است. زیرا در آن شیوه ((مردانه)) استدلال انتزاعی مبتنی بر عدالت و حق در سطحی بالاتر از سبک ((زنانه)) استدلال مبتنی بر مراقبت و توجه قرار گرفته است. این نظریه پیازه که کودکان خردسال نمی‌توانند بین قراردادهای اجتماعی و دستورات اخلاقی تمایز شوند به چالش طلبیده شده است. جدول مراحل استدلال اخلاقی کلبرگ در صفحه بعد نشان داده شده است.

شخصیت و رشد اجتماعی

بین نوزادان از همان نخستین هفته‌های زندگی، تفاوت‌هایی در سطح فعالیت، واکنش به تغییرات محیط و تحریک پذیری دیده می‌شود. واژه ی خلق و خو برای خصوصیات شخصیتی وابسته به خلق به کار می‌رود.

رفتار اجتماعی اولیه

کودک معمولی در ۲ ماهگی با دیدن چهره ی مادر یا پدر خود لبخند می‌زند. در سراسر دنیا، نوزادان در سن و سال مشابهی شروع به لبخند زدن می‌کنند که نشانگر آن است که ریش نقش مهمی در تعیین آغاز لبخند زدن ایفا می‌کند. در ۳ یا ۴ ماهگی، نوباوگان افراد آشنای خانواده را می‌شناسند و آنها را بر دیگران ترجیح می‌دهند. اما در حدود ۷ تا ۸ ماهگی،

بسیاری از نوباوگان وقتی غریبه ای به آنها نزدیک شود ناراحتی و پریشانی آشکاری نشان می دهند و علاوه بر این هر وقت در محیط نا آشنا یا با فرد غریبه ای تنها بمانند به شدت ناراحت می شوند. نوباوگانی که چنین اضطرابی را تجربه می کنند، تعدادشان از حدود ۸ ماهگی تا پایان سال اول زندگی به صورت چشمگیری افزایش می یابد. پریشانی به خاطر جدایی از والدین بین ۱۴ تا ۱۸ ماهگی به اوج خود می رسد و سپس به تدریج کاهش می یابد. طوری که کودکان سه ساله غالباً در غیاب والدین خود به اندازه کافی احساس امنیت می کنند و قادرند به راحتی با کودکان دیگر و بزرگسالان در تعامل باشند. به نظرمی رسد فقط اندکی از شدت و ضعف این ترس ها متأثر از شرایط پرورشی کودکان باشد.

تعاملات اجتماعی و نظام تقویت متقابل از چه زمانی در انسان شروع می شود؟ (ارشد ۹۵)

الف- دو ماهگی

ب- دو سالگی

ج- دوازده سالگی

د- ۱۸ سالگی

پاسخ گزینه الف است.

الگوی رشد ترس های ناشی از جدایی به دو علت در کودک به وجود می آید :

۱- رشد ظرفیت حافظه ۲- رشد خود پروری در کودک

دل بستگی

واژه دل بستگی برای توصیف تمایل کودک به نزدیک افراد خاص ماندن و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد به کار می رود. سلسله آزمایشات مادر - فرزندی نشانگر آن است که در دل بستگی های مادر - فرزندی چیزی فراتر از نیاز به غذا مطرح است. دل بستگی اساسی برقراری ارتباط در سالهای بعدی می شود.

تمایل کودک به برقراری یک رابطه نزدیک با افراد خاص و احساس ایمنی بیشتر در حضور آنها چه نام دارد؟ (۸۰-۷۹)

الف- پیوستگی ب- وابستگی ج- همانند سازی د- محافظت

پاسخ: گزینه ب

بچه میمون هایی که اندکی پس از تولد از مادرشان جدا کردند و در کنار دو مادر مصنوعی که از توری سیمی با سر های چوبی ساخته شده بودند، قرار دادند تنه ی یکی از مادرهای ((مصنوعی)) از سیم لخت و تنه دیگری از لاستیک ابری با روکشی از پارچه ی پرز دار بود که بچه میمون را بغل کردن مادر مصنوعی و چسبیدن به او تشویق می کرد. صرفه نظر از این که کدامیک از دو مادر منبع تغذیه بود، بچه میمون ها پیوسته به مادر پارچه ای می چسبیدند. این مادر کاملاً غیر فعال اما نرم، منبع امنیت برای بچه میمون بود. برای مثال، ترس آشکار بچه که در محیطی غریب قرار گرفته بود، به محض تماس با مادر پارچه ای فروکش می کرد. میمون هایی هر چند تماس با مادر مصنوعی بغل کردنی، وجه مهمی از احساس برخوردارگی از مراقبت مادرانه است، ولی برای رشد رضایت بخش کافی نیست. بچه میمون هایی که در شش ماه اول زندگی دور از سایر میمون ها با مادران مصنوعی بزرگ شده بودند، در بزرگسالی رفتارهای عجیب نشان دادند. این گونه میمون ها به ندرت در آینده تعامل طبیعی با سایر میمون ها داشتند (از ترس در گوشه ای کز می کردند و یا با رفتارهای پرخاشگرانه ی نا به هنجار دست می زدند) و رفتار جنسی نا مناسب از خود نشان می دادند. هنگامی که میمون های ماده محروم از ارتباط اجتماعی اولیه، موفق به جفت گیری شدند، مادران بی کفایتی از آب در آمدند که یا به فرزندان اول خود توجهی نداشتند و یا با آنها بد رفتاری می کردند، هر چند بعدها برای فرزندان بعدی خود مادران خوبی شدند. توجه کنید که این میمون ها در هر حال از همه ی تماس های اجتماعی محروم بودند. بچه میمون هایی که با مادران مصنوعی بزرگ می شوند هرگاه در شش ماه اول زندگی از ارتباط اجتماعی با همسالان نشان برخوردار شوند، در بزرگسالی مشکلی نخواهند داشت.

بچه میمون هایی که تنها با مادرشان بزرگ می شدند و از فرصت های بازی با بچه میمون های دیگر محروم می مانند: (۸۰-۷۹)

الف- عموماً سعی می کنند رفتار پرخاشگرانه ی خود را کاملاً کنترل کنند

ب- عموماً وقتی بعدها با سایر میمون ها رو به رو می شوند، اشتیاق زیاد به ارتباط نشان می دهند

ج- از داشتن تماس با میمون های دیگر هراس دارند.

د- در آنها الگوهای هنجار رفتاری همانند دیگر بچه میمون ها رشد می کند

پاسخ: گزینه ج

بخش عمده ی تحقیق در زمینه دلبستگی در کودکان ریشه در تحقیقات جان بالبی دارد. مفهوم دلبستگی توسط جان بالبی وارد حوزه روانشناسی شد.

مری اینس ورث، نوعی شیوه ی آزمایشگاهی برای سنجش درجه امنیت دلبستگی کودکان ۱۲-۱۸ ماهه ابداع کرد. این شیوه که موقعیت ناآشنا نامیده شد. شامل مجموعه ای از رویدادهاست که در آنها کودک هنگامی که * اولیه اناق را ترک می کند و به آن بر می گردد، مشاهده می شود. در تمامی مراحل اجرای این آزمایش مبنای طبقه بندی در یکی از طبقات، عکس العمل کودک هنگام برقراری رابطه ی مجدد با مادر است.

دلبسته ایمن - یکی از طبقه هایی است که کودکی که در آزمایش موقعیت ناآشنا قرار گرفته، صرفه نظر از این که کودک به هنگام رفتن مادر از اناق آشفته شود یا نه، هنگام بازگشت مادر به اناق با او تعامل می کند به طور کلی ۶۰-۶۵ درصد کودکان در این طبقه جای دارند.

دلبسته نا ایمن: اجتنابی: به هنگام بازگشت مادر از تعامل با او پرهیز می کنند. حدود ۲۰ درصد شیرخواران در این مرحله قرار دارند.

مراحل استدلال اخلاقی - کلبرگ معتقد بود قضاوت اخلاقی به موازات افزایش سن، طبق مراحل معینی رشد می کند.

سطح اول:	اخلاق پیش عرفی
مرحله ۱- جهت گزینی بر اساس تنبیه (اطاعت از قوانین به منظور اجتناب از تنبیه)	مرحله ۲- جهت گزینی بر اساس پاداش (هم نوایی برای دریافت پاداش و مزایا)
سطح دوم:	اخلاق عرفی
مرحله ۳- جهت گزینی بر اساس الگوی دختر خوب ایسر خوب (همنوایی نشان می دهد تا از عدم تایید دیگران در امان بماند)	مرحله ۴- جهت گزینی بر اساس وابستگی به مراجع قوانین (قانون و قواعد اجتماعی را رعایت می کند تا از توبیخ مراجع قدرت و احساس گناه در مورد انجام ندادن وظایف خود در امان باشد)
سطح سوم:	اخلاق پس عرفی
مرحله ۵- جهت گزینی بر قرارداد اجتماعی (اعمال خود را طبق اصولی که همگان برای بهزیستی جامعه الزامی می دانند هدایت می کند. از اصول پیروی می کند تا از احترام هم گنان بر خوردار باشد و از این طریق احترام به نفس خود را حفظ کند)	مرحله ۶- جهت گزینی مبتنی بر اصول اخلاقی (اعمال خود را طبق اصولی که شخصا انتخاب کرده اصولی که در آنها عدالت، سرافرازی و برابری ارزشمند شناخته شود. هدایت می کند. از اصول پیروی می کند تا از سرزنش خویشتن در امان باشد)

توقف راننده پشت چراغ قرمز، در چه صورت نشان دهنده رفتار او در مرحله ی اخلاق پس عرفی (نظریه کلبرگ) است؟

(۸۸-۸۹)

الف- به خاطر اجتناب از جریمه توسط پلیس توقف کرده است

ب- برای اجتناب از احساس گناه ناشی از عدم رعایت قانون توقف می کند

ج- برای این که با سرزنش و عدم تایید دیگران مواجه نشود

د- برای این که از احترام دیگران برخوردار شود

پاسخ: گزینه د

دلبسته نا ایمن: دوسوگرا

ویژگی کودک این طبقه مقاومت مادر هنگام بازگشت اوست. آنان هم خواهان رابطه با مادرند و هم خواهان پرهیز او می باشند. ۱۰ درصد شیر خواران هم در این طبقه اند.

دلبسته ی نا ایمن آشفته: ویژگی کودکان این طبقه رفتار متناقض آنها هنگام بازگشت مادر می باشد. مثلاً کودک به مادر نزدیک می شود ولی به او نگاه نمی کند، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کودکان هم در این طبقه اند. آن دسته از کودکانی که با آنها در خانواده بدرفتاری می شود یا والدین آنها تحت مراقبت های روانپزشکی واقعند به میزان بیشتری در طبقه جای دارند. اگر چه مادران کودکان شیرخوار نا ایمن الگوی اجتنابی به اندازه مادران الگوی ایمن با کودکان خود تماس دارند، وای آنها با کودکان خود لذت نمی برند. از ویژگی دیگر مادران الگوی نا ایمن اجتنابی، انعطاف ناپذیر بودن و وسواسی بودن آنهاست. از ویژگی های مادران الگوی نا ایمن دوسوگرا این است که آنها در پاسخدهی به نیازهای کودک خود رویه ای یکسان ندارند، گاهی خیلی حساس و گاهی خیلی بی تفاوتند، مهم ترین و تعیین کننده ترین عامل در تکوین دلبستگی ایمن یا غیر ایمن در کودک، رفتار مادر است. در کل واکنش کودک به بازگشت مادر تابع ۲ مورد است: ۱- پاسخدهی مراقبت به کودک ۲- خلق و خوی کودک

مراحل روش موقعیت نا آشنا به شرح زیر است:

۱- مادر و فرزندش وارد اتاق آزمایش می شوند. مادر فرزند را در محوطه ایی پر از اسباب بازی روی کف اتاق می گذارد و سپس در انتهای دیگر اتاق می نشیند. ۲- خانم غریبه ای به اتاق می آید، یک دقیقه آرام می نشیند، دقیقه ای با مادر گفتگو می کند و سپس می کوشد کودک را به بازی با اسباب بازی ها سر گرم کند. ۳- مادر بی سرو صدا از اتاق بیرون می رود. اگر کودک ناراحتی نشان ندهد، غریبه ساکت می نشیند و اگر ناراحتی نشان دهد غریبه سعی می کند او را آرام کند. ۴- مادر به اتاق بر می گردد و کودک را به بازی مشغول می کند. غریبه هم بی سرو صدا از اتاق می رود. ۵- مادر دوباره از اتاق می رود، و این بار کودک در اتاق تنها می ماند. ۶- خانم غریبه بر می گردد. اگر کودک ناراحت باشد، غریبه سعی می کند او را آرام کند. ۷- مادر برمی گردد و غریبه از اتاق می رود.

هویت جنسی gender identity و نقش آموزی جنسی sex-typing

تصور فرد از خود به عنوان نر یا ماده را هویت جنسی گویند. واژه نقش آموزی جنسیتی به کسب آن دسته از رفتارها و ویژگی هایی که فرهنگ جامعه معینی برای زنان و مردان خود مناسب می داند، اطلاق می شود. (نسخ پذیری جنسیتی)

نظریه ی روانکاوی

نخستین روانشناسی که شرح جامعی از هویت جنسیتی و نقش آموزی به دست داد، سیگموند فروید بود. فروید معتقد بود کودکان سه سالگی بر اندام تناسلی خود متمرکز می شوند، فروید این را نشانگر آغاز مرحله تناسلی در رشد روانی - جنسی خواند. در این مرحله دختر و پسر متوجه می شوند که پسر دارای آلت تناسلی نرینه و دختر فاقد آن است. طی این مرحله، در دختران و پسران احساسات جنسی نسبت به والد غیر هم جنس وجود می آید و حسادت و تنفر نسبت به والد هم جنس ایجاد می شود. فروید این پدیده را ((عقد اودیپ)) خواند. به نظر فروید به موازات افزایش سن، دختر و پسر نهایتاً این تضاد را از طریق همانند سازی با والد هم جنس خود حل می کنند و برای اینکه شبیه والد هم جنس شوند، رفتارها، نگرش ها و خصوصیات شخصیتی او را الگو قرار می دهند و به این ترتیب نقش آموزی جنسیتی صورت می گیرد.

نظریه یادگیری اجتماعی:

برخلاف نظریه ی روانکاوی، نظریه ی یادگیری اجتماعی توجیه روشن تری از نقش آموزی جنسیتی به دست می دهد این نظریه هم بر پاداش ها و تنبیه هایی که کودکان برای رفتار مناسب یا غیر مناسب جنسی دریافت می کنند تاکید دارد و هم بر شیوه های یادگیری رفتارهای مربوط به نقش جنسیتی از راه مشاهده ی بزرگسالان یادگیری مشاهده یی کودکان را قادر می سازد از راه تقلید رفتارهای بزرگسالان هم جنس، رفتارهای ویژه جنسیت خود را فراگیرند. دو نکته کلی تر در مورد نظریه ی یادگیری اجتماعی در خور توجه است: ۱- نقش آموزی جنسیتی نیز همانند آموختن هر رفتار آموختنی دیگر است. ۲- نکته دیگر این که اگر این نقش آموزی را چیزی خاص و جدا از سایر رفتارها بدانیم، در این صورت باید بپذیریم که رفتاری است غیر قابل اجتناب و تغییر ناپذیر. کودکان رفتارهای نقش خود را به این دلیل می آموزند که در هر فرهنگ

جنسیت با پاداش ها و تنبیه هایی پیوند یافته است . شواهد چشمگیری موید توصیف یادگیری اجتماعی در حوزه این نقش آموزی است .

برخی معتقدند که واکنش های متفاوت والدین در برابر دختران و پسران به این علت است که آنان صرفا به تفاوت های فطری بین دو جنس واکنش نشان می دهند . جنس نر آدمی بیش از جنس ماده به پرخاشگری متوسل می شود و شاید به همین علت نیز والدین پسرها را بیش از دخترها تنبیه می کنند

به نظر می رسد پدرها بیشتر از مادرها به نقش آموزی جنسیتی فرزندان ، به ویژه پسرها ، توجه دارند . هر چند والدین ممکن است با توجه به نقش های قالبی جنسیتی با فرزندان خود رفتار کنند ، ولی خود کودکان بیشتر سوگیری جنسیتی دارند همسالان کودکان در رعایت این نقش های قالبی از والدین سخت گیرترند .

انتقادات وارده به دیدگاه یادگیری اجتماعی در توضیح و تبیین نقش آموزی جنسیتی به قرار زیر است:

۱- در این دیدگاه کودک در مقابل پدیده های محیط خود منفعل است . ۲- اینکه در تصویر کودک از مقررات جنسیتی یک الگوی رشدی وجود دارد که دیدگاه یادگیری اجتماعی قادر به تبیین آن نمی باشد .

کدام یک از موارد زیر با دیدگاه نظریه ی یادگیری اجتماعی در مورد پرخاشگری مطابقت دارد؟(ارشد ۹۵)

الف. نتیجه تجربه ی نامطبوع ناکامی لزوما پرخاشگری است.

ب. پاسخ پرخاشگرانه از ویژگی های سابق نیز برخوردار است.

ج. ابزار و پاسخ پرخاشگرانه، اثرات پالایشی به همراه دارد.

د. پرخاشگری متأثر از وابستگی تقویتی است.

پاسخ گزینه د است

۴ساله ها و ۹ ساله ها براین باورند که نباید در انتخاب شغل از لحاظ جنسیتی محدودیتی وجود داشته باشد . در فاصله بین ۴ و ۹ سالگی کودکان در مورد انتخاب شغل بر اساس جنسیت انعطاف ناپذیر می شوند . این کودکان شبیه واقع گرایان اخلاقی در دوره پیش عملیاتی پیازه هستند

هم در نظریه روانکاو و هم نظریه یادگیری اجتماعی ، عقیده بر این است که کودک از طریق الگو گیری اما این دو نظریه در مورد انگیزه ی این الگو گیری هم داستان نیستند .

مفاهیم نظریه یادگیری اجتماعی بر مشاهده و تقلید استوار است .

از دیدگاه نظریه پردازان یادگیری اجتماعی : (سال ۸۳-۸۲)

الف-بر اهمیت تاثیر شرایط محیط بر رفتار تاکید فراوانی دارد .

ب-در روان شناسی شخصیت ، شخص محور تاکید خاصی قرار می گیرد .

ج-شخصیت از ثبات لازم برخوردار است .

د-کنترل رفتار و تغییر آن چندان تحت تاثیر محیط نیست

پاسخ:گزینه الف

یادگیری مشاهده ای در کدامیک از موارد زیر صادق است ؟(۸۴-۸۵)

الف-یادگیری اجتماعی ب-شرطی شدن کلاستیک ج-شرطی شدن عامل د-یادگیری گشتالت

پاسخ:گزینه الف

شناخت اجتماعی در یادگیری به کدامیک از موارد زیر اهمیت می دهد ؟ (۸۴-۸۵)

الف-ارتباط و بازخورد ب-قانون و آموزش ج-فرهنگ و سواد د-تقلید و مشاهده

پاسخ : گزینه د

نظریه شناختی - رشدی :

طبق دیدگاه شناختی - رشدی ، هویت جنسی سهم مهمی در نقش آموزی جنسیتی دارد ، زنجیره رویداد ها به این صورت است : انگیزه ی داشتن رفتار متناسب با هویت جنسیتی است ، که سبب می شود کودکان به شیوه های ویژه جنسیت خود

رفتار کنند. در نتیجه آنها به میل خود وظیفه ی نقش آموزی جنسیتی خود و همسالان خود را به عهده می گیرند. طبق این نظریه، رشد هویت جنسیتی بر اساس اصول مرحله پیش عملیاتی رشد شناختی، به کندی از ۲-۷ سالگی صورت می گیرد. آگاهی از این که، جنسیت فرد به رغم تغییر سن و ظاهر او، ثابت می ماند ثبات جنسیتی خوانده شده است کودک در مرحله پیش عملیاتی دارای سوگیری جنسیتی می باشد و ناهمنوایی جنسیتی را در خود و دیگران کمتر می پذیرد. سوگیری جنسیتی یعنی تمایل به انجام اعمال بر اساس جنسیت، پسر با ماشین و دختر با عروسک بازی کند و این غیر قابل تعویض است. ناهمنوایی جنسیتی یعنی عمل بدون توجه به جنسیت خود مثل این که کودک پسر با عروسک بازی کند. دیدگاه شناختی-رشدی، پر نفوذترین تبیین برای رشد جنسیتی در زمینه هویت جنسیتی و نقش آموزی جنسیتی محسوب می شود. دیدگاه شناختی-رشدی معتقد است که رشد هویت جنسیتی و نقش آموزی جنسیتی در افراد همانند مراحل رشد شناختی، مراحل خاص خود را دارد.

نظریه طرحواره ی جنسیتی

هم نظریه ی یادگیری اجتماعی و هم نظریه شناختی-رشدی تبیین های منطقی برای چگونگی کسب اطلاع کودکان درباره مقررات و هنجارهای فرهنگی رفتارها، نقش ها و خصوصیات شخصیتی متناسب با جنسیت فراهم کرده اند. ولی فرهنگ به کودکان درس بس مهم تری نیز می آموزد. طبق این دیدگاه طرحواره جنسیتی، کودک توسط جامعه و والدین همه جا تشویق می شود که نسبت به امور یک سوگیری جنسیتی داشته باشد و کودک با عدسی های جنسیت نسبت به امور خود واکنش داشته باشد. بم این عدسی ها را طرحواره ی جنسیتی خواند. مانند نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه طرحواره جنسیتی دلالت بر آن دارد که نقش آموزی جنسیتی نه غیر قابل اجتناب است و نه تغییر ناپذیر.

طبق این نظریه، اگر کودکان نقش پذیری جنسیتی دارند به این علت است که جنسیت، یکی از محورهایی است که فرهنگ برای سازمان بخشیدن به دیدگاه خود درباره واقعیت انتخاب کرده است. به این ترتیب، این نظریه بر آن است که اگر فرهنگی در جهان بینی خود کمتر بر نقش های قالبی جنسیتی تاکید ورزد، رفتار و خودپنداره ی کودکان نیز کمتر از نقش های قالبی جنسیتی مایه خواهد گرفت. از نظر این دانشمندان کودکانی که جنسیت را امری زیست شناسی تلقی می کنند، هویت جنسیتی استوارتری دارند.

کدام گزینه کودک را در رسیدن به سنخیت جنسی فعال می داند؟ (ارشد ۹۳-۹۲)

الف) طرح واره جنسی (ب) رشد روانی-اجتماعی (ج) روان کاوی (د) یادگیری اجتماعی
پاسخ گزینه الف

رشد نوجوان:

نوجوانی به دوره ی گذرا از کودکی به بزرگسالی اطلاق می شود و تقریباً از ۱۲ سالگی آغاز و تا اواخر دهد دوم زندگی، یعنی رسیدن به رشد جسمانی کم و بیش کامل، ادامه می یابد. طی این دوره، نوجوان به بلوغ جنسی می رسد و هویت فردی خود را از هویت خانواده بنا می نهد.

رشد جنسی، بلوغ، دوره ی تکامل جنسی است که طی آن کودک از نظر زیستی به بزرگسالی برخوردار از توانایی تولید مثل تبدیل می شود و دوره آن معمولاً ۳-۴ سال است. بلوغ با دوره رشد بسیار سریع جسمانی (جهش رشد نوجوانی) شروع می شود و با رشد تدریجی اندام های تناسلی و ویژگی های جنسی ثانوی (رشد پستان ها در دختران، رویش ریش در پسران و نمایان شدن مو بر اندام های تناسلی هر دو جنس) همراه است.

از دیدگاه روان شناختی مهمترین ویژگی یک برنامه کاهش وزن در جامعه چیست؟ (ارشد ۹۳-۹۲)

الف) محرومیت غذایی (ب) کاهش تنش (ج) افزایش ترس (د) دارودرمانی
پاسخ گزینه ب

قاعدگی

نخستین قاعدگی در اواخر دوره بلوغ، تقریباً ۱۸ ماه پس از اوج گیری جهش رشد دختران رخ می دهد. نخستین قاعدگی ها معمولاً نامنظم است و تخمک گذاری معمولاً تا یک سال بعد از نخستین قاعدگی شروع نمی شود. اولین انزال پسر معمولاً حدود ۲ سال بعد از جهش رشد نوجوانی رخ می دهد.

سن بلوغ و سرعت رشد آن دامنه ی وسیع و متنوعی دارد. برخی از دختران حتی در ۱۱ سالگی و برخی دیگر در ۱۷ سالگی برای نخستین بار قاعده می شوند. متوسط سن آغاز قاعدگی ۱۲ سال و ۹ ماه است.

پسرها، به طور متوسط دو سال دیرتر از دختران به جهش رشد می رسند. در پسران، انزال منی حاوی اسپرم زنده بین سنین ۱۲ تا ۱۶ سالگی و به طور متوسط در ۱۴/۵ سالگی آغاز می شود.

بر طبق نظریه اریکسون وحدت خود در مقابل چه وضعیتی معرفی شده است؟ (۹۴-۹۳)

الف- ناامیدی

ب- رکود

د- آشفته‌گی نقش

ج- انزوا

پاسخ گزینه الف است.

آثار روانشناختی بلوغ:

در عرف عام نوجوانی را دوره ی طوفان و احساس فشار می دانند که از ویژگی های آن دمدمی بودن، آشفته‌گی درونی و طغیان است. ولی یافته های پژوهشی این دید بدبینانه را تایید نمی کند.

بلوغ اثرات مهمی بر تصور فرد از بدن خویش، عزت نفس، خلق و رابطه او با والدین و اعضای غیر هم جنس بر جای می گذارد. بعضی از این تاثیرات مستقیماً ناشی از تغییرات هورمونی بلوغ است ولی اغلب آنها به آثار فردی و اجتماعی تغییرات جسمانی و مهم تر از همه به زمان بندی این تغییرات مربوط می شود.

پسرهایی که زودتر به بلوغ می رسند خلق مثبت تری دارند و از ظاهر خود رضایت بیشتری دارند. پسرهای زودرس از لحاظ بلوغ از ثبات عاطفی و خود تنظیمی کمتری برخوردارند و بیشتر محتمل است که به اعمالی هم چون شراب خواری، سیگار کشیدن و مواد مخدر روی آورند.

دختران زودرس از لحاظ بلوغ عزت نفس کمتری دارند. اضطراب و افسردگی بیشتری را هم تجربه می کنند و از وزن و ظاهر خود کمتر راضی هستند.

رشد در مراحل بعد کودکی:

دیدگاه اریکسون در مورد مراحل رشد انسان یک نظام ۸ مرحله ای با رویکرد روانی- اجتماعی می باشد یعنی معتقد است که رشد منوط به روابط اجتماعی خاصی است که کودک در طول زمان های مختلف با افراد برقرار می کند.

مراحل رشد روانی- اجتماعی اریکسون

مراحل	بحران های روانی- اجتماعی	پیامد مطلوب
نخستین سال زندگی	اعتماد در برابر عدم اعتماد	اعتماد و خوش بینی
دومین سال زندگی	خود پیروی در برابر تهدید	احساس خویشتنداری و خود بسندگی
۳ تا پایان ۵ سالگی	ابتکار در برابر احساس گناه	داشتن هدف و جهت، توانایی دست زدن به فعالیت های مستقل
۶ سالگی تا بلوغ جنسی	سازندگی در برابر احساس حقارت	احساس شایستگی در مهارت های ذهنی، اجتماعی و بدنی
نوجوانی	هویت یابی در برابر سردرگمی	داشتن تصویر یکپارچه ای از خود به عنوان یک فرد یگانه

مرکز تخصصی خدمات آموزشی گروه پزشکی فرهنگ گستر نخبگان

توانایی برقرار کردن پیوندهای صمیمانه و دیر پا، انتخاب شغل	صمیمیت در برابر انزوا	اوایل بزرگسالی
علاقه مندی به امور خانواده، جامعه و نسل های آینده	باروری در برابر در خود فرورفتگی	میانسالی
احساس تحقق نفس و رضایت خاطر از زندگی و آمادگی برای مرگ	انسجام در برابر نومیدی	دوران پیری

بحران عمده کارآیی در برابر احساس حقارت از نظر اریکسون در کدام دوره اتفاق می افتد؟ (۸۰-۷۹)

الف-۶ سالگی تا بلوغ ب-۳ تا ۵ سالگی ج-اوایل بزرگسالی د-نوجوانی
پاسخ: گزینه الف

تمایل به « خود - رهبری » و به تنهایی عمل کردن به کدام مرحله از رشد روانی - اجتماعی اریکسون مربوط می شود؟ (ارشد ۹۶-۹۵)

الف. اعتماد در برابر عدم اعتماد

ب. استقلال رای در برابر تردید

ج. سازندگی در برابر احساس حقارت

د. هویت در برابر آشفتگی نقش

پاسخ گزینه ب است.

رشد هویت :

اریک اریکسون ، معتقد بود یکی از تکالیف عمده که نوجوان با آن روبه رو می شود ، تکوین هویت شخصی است ، به این معنا که باید به پرسشهایی نظیر ((من کیستم ؟)) و ((مقصدم کجاست ؟)) پاسخ دهد . هر چند اریکسون اصطلاح (بحران هویت) را برای توصیف فرآیند فعال توصیف خویشتن پیش کشید اما بر این باور بود که بحران هویت بخش جدایی ناپذیری از رشد روانی - اجتماعی سالم است . در همین راستا ، اغلب روان شناسان رشد نیز معتقدند که نوجوانی باید دوره تجربه نقش ها باشد .

هویت یابی در جوامع ابتدایی آسان تر و در جوامع پیچیده کاری دشوار است .

در مطلوب ترین شرایط ، بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه سوم عمر حل شود تا فرد بتواند به مسایل دیگر زندگی بپردازد وقتی این فرآیند با موفقیت انجام پذیرد ، می گوئیم فرد به مفهوم یکپارچه ای از هویت جنسیتی ، جهت گزینی شغلی و جهان بینی نایل شده است . تا وقتی بحران هویت حل نشده باشد ، فرد مفهوم یکپارچه ای از خود یا سلسله معیارهای ارزیابی ارزشمندی خویش در زمینه های عمده ی زندگی نخواهد داشت . اریکسون این پیامد ناموفق را سردرگمی هویت نامیده است .

نکته :از نظر اریکسون در اوایل بزرگسالی هویت زمینه ساز صمیمیت است .

اریکسون بارورترین دوره زندگی را میانسالی می داند . منظور اریکسون از مفهوم باروری یا پدید آوردگی در این مرحله علاقه افراد به رهبری تفکر و تدبیر برای نسل آتی است (زاینده) میانسالی را بحران نیمه راه زندگی هم می دانند زیرا تصور می شود ، مردان در ابتدای ۴۰ سالگی با یک دوره آشفتگی عاطفی رو به رو می شوند.

علاقه مندی به فراهم کردن توشه برای نسل آینده را چه می نامند؟ (ارشد سال ۸۹-۸۸)

الف-دور اندیشی ب-تمامیت ج-زاینده د-هویت یابی

پاسخ: گزینه ج

جیمز ماریسا ، نظریه اریکسون را در مورد بحران هویت مورد آزمون قرار داده است و افرادی را که در مرحله ی کسب هویت هستند را به چهار دسته تقسیم می کنند :

۱- دستیابی به هویت : افرادی هستند که بحران هویت ، یعنی مرحله ی پویایی پرستگری درباره خود و تعریف خویشتن را پشت سر گذاشته اند .

۲- هویت یابی ناقص (وقفه هویت یابی) : نشانه ای از بحران هویت در آنها مشاهده نمی شود و اساسا افرادی متعهد ، انعطاف ناپذیر و پایبند به باورهایشان می باشند .

۳- پراکندگی هویت : افرادی هستند که به مفهومی یکپارچه از هویت خود دست نیافته اند . پراکندگی هویت اصطلاح ماریسا برای سردرگمی در هویت یابی اریکسون می باشد .

۴- تعلیق هویت یابی : افرادی هستند که در حال تجربه بحران هویت می باشند . تعلیق در هویت یابی در دو سال اول دانشگاه از هر زمانی بیشتر است

از نظریه اریکسون هویت پیش شرط رسیدن به صمیمیت است.

بحران هویت در ۲ سال اول دانشگاه به اوج خود می رسد و نگرانی شغلی در این بحران بیشتر است.

در کدامیک از انواع وضعیتهای هویتی جوانان گرفتار تعارض بین علایق خود و برنامه‌هایی که والدین بر ایشان دارند، قرار دارند؟ (۹۴-۹۳)

الف- پراکندگی هویت ب- دستیابی به هویت

ج- هویت یابی ناقص د- تعلیق هویت

پاسخ گزینه د است.

- رشد آدمی تحت تاثیر وراثت و محیط است مقصود از رسش maturation توالی فطری و از پیش تعیین شده نمو یا تغییرات بدنی است که به طور نسبی مستقل از رویدادهای محیطی است

- مفهوم مراحل در فرآیند رشد: ۱- در یک مرحله مشخص رفتارها و محور یک مقوله غالب سازمان می یابند ۲- رفتارهای هر مرحله از لحاظ کیفی با مراحل قبل و بعد متفاوتند ۳- همه کودکان مراحل همانندی را به ترتیب همانندی طی می کنند.

* نوزاد در یک هفتگی قادر به تشخیص صدای مادر خود از سایر صداها است در دو هفتگی بین صدا و سیمای ما در ارتباطی کشف می کند اثر محرومیت های اولیه در نوع حرکتی نسبت به مهارت های فکری هیجانی و زبانی کمتر است

اثر محرومیت های اولیه در نوع حرکتی نسبت به مهارت های فکری هیجانی و زبانی کمتر است

مراحل رشد شناختی ژان پیاژه:

۱- مرحله حسی حرکتی؛ تولد تا ۲ سالگی: بین اعمال خود و پیامدهای آن به دنبال کشف رابطه هستند بین خود و

اشیا فرق می گذارند در حدود ده ماهگی به مفهوم پایداری اشیا دست پیدا می کند در حدود یک سالگی محل جدید را برای یافتن شیء جستجو می کند خود را به عنوان عامل عمل می شناسد و اعمال عملی را آغاز می کند.

۲- مرحله پیش عملیاتی: ۲-۷ سالگی- یاد می گیرد که از زبان استفاده کند و اشیاء را به صورت تصویرهای ذهنی و

واژه ها بازنمایی کند. - تفکر جنبه خود محوری دارد و کودک به دشواری می تواند از دیدگاه دیگران نگاه کند- اشیاء را طبق یک ویژگی واحد طبقه بندی می نماید. نگهداری ذهنی: عدم تغییر جرم به علت تغییر شکل یا تغییر ظرف

مایعات. (مفاهیم زیر مربوط به مرحله عملیات عینی است:

- کودکان در حدود ۷ سالگی به مفهوم نگهداری جرم و نگهداری اعداد دست می یابند.

- یکی از دلایلی اینکه کودکان کمتر از ۷ سال مفاهیم نگهداری را مشکل در می‌یابند این است که تفکرات آنها هنوز زیر سلطه بصری است. (ادراک مستقیم)
- کودک در ۹ سالگی به مفهوم نگهداری وزن پی می‌برد.
- ۳- مرحله عملیات عینی: ۷-۱۲ سالگی: درباره اشیاء و حوادث به گونه‌ای منطقی می‌اندیشد. به مفهوم نگهداری عدد و جرم (۷سالگی) و وزن (۹سالگی) دست می‌یابد. اشیاء را بر حسب ویژگی‌های متعدد تقسیم بندی می‌کند و می‌تواند آنها را بر حسب یک بعد، نظیر اندازه مرتب نماید. باز نمایی ذهنی از یک سری اعمال مثل ترسیم نقشه‌ی مسیر خاص صورت می‌گیرد. کاربرد واژه‌های انتزاعی محدود به اشیاء عینی است. بی‌آنکه از یک روش نظام دار پیروی کنند به آزمایش یا برخی متغیرها می‌پردازند.
- ۴- **مرحله عملیات صوری بعد از ۱۲ سالگی:** در نظر گرفتن همه‌ی شقهای احتمالی، یعنی واری‌های پیامدهای هر یک از فرضیه‌ها و قبول یا رد آنها، هسته‌ی اصلی چیزی است که پیاژه آنرا تفکر به شیوه عملیاتی صوری می‌داند. این توانایی در نظر آوردن شقهای احتمالی و فراتر رفتن از محدوده‌ی واقعیت موجود، یعنی تصور راه‌هایی فراتر از نظم مادی اشیاء، روند مسلط تفکر نوجوانان است.
- ۵- می‌تواند درباره‌ی گزاره‌های انتزاعی به شیوه منطقی فکر کند و فرضیه‌ها را به صورت نظامدار آزمایش کند. - با مسائل فرضی، با آینده، و با مسائل مربوط به جهان بینی درگیر می‌شود.
- رویکرد غیر مرحله‌ای: گذر از یک مرحله ذهنی به مرحله دیگر به صورت تدریجی صورت می‌گیرد و متضمن آن است که مهارت‌های اولیه از چنان استحکامی برخوردار باشند که به صورت خودکار در آیند. برخی از روانشناسان به جای آنکه مراحل را مورد توجه قرار دهند. رشد شناختی را به منزله افزایش تدریجی اطلاعات و تسلط بر مهارت‌ها می‌دانند- مثل مهارت در بخاطر سپردن.
- رفتار اجتماعی اولیه:** نوزاد در دو ماهگی به مادرش لبخند می‌زند. از آنجا که کودکان در تمام شرایط اجتماعی در یک سن لبخند می‌زنند این واکنش بیشتر تابع پیش است تا شرایط محیطی. در سه یا چهار ماهگی افراد آشنای خانواده را می‌شناسد و به دیگران ترجیح می‌دهد.
- اما در حدود هشت ماهگی در مقابل افراد غریبه حالت ترس نشان می‌دهد، غریبی که از سن ۸ ماهگی تا ۱ سالگی افزایش می‌یابد. اضطراب جدایی از والدین بین ۱۸-۱۴ ماهگی به اوج خود می‌رسد. و در سه سالگی معمولاً از بین می‌رود.
- **وابستگی:** تمایل کودک به برقراری ارتباط با افراد خاص و احساس ایمنی بیشتر در حضور این افراد. وابستگی کودک را از احساس ایمنی مورد نیاز برای کارش در محیط خود برخوردار می‌سازد و شالوده‌ی لازم را برای برقراری ارتباط با دیگران در سالهای دیگر عمر فراهم می‌کند. تمام بچه‌ها در یک سالگی به مادر وابسته می‌شوند، اما کیفیت این وابستگی، بستگی به واکنش مادر به نیازهای او دارد.
- وابستگی و رشد بعدی: روشی که یک کودک در سالهای بعدی زندگی برای مواجه شدن با تجارب جدید اتخاذ می‌کند موثر از شیوه وابستگی اولیه است.
- به کودکانی که در آغاز دومین سال زندگی خود از احساس وابستگی توأم با ایمنی برخوردارند به آمادگی بیشتری برای روبرو شدن با تجارب و روابط جدید را دارند.

مرکز تخصصی خدمات آموزشی گروه پزشکی فرهنگ گستر نخبگان

- کنش متقابل با همسالان: این امر باعث یادگیری بعضی مهارتهای اجتماعی می‌شود. همسالان منبع اصلی برای تقلید، تشویق و تنبیه به شمار می‌روند.
- تفکر اخلاقی و رفتار: کودکان پنج ساله معتقدند که دروغ گفتن، دزدی و ... کار منفی است. توانایی داوری در مسائل اخلاقی بستگی به رشد شناختی کودک دارد.
- رفتار اخلاقی: توانایی اجتناب از اصل مورد نکوهش جامعه و علاقمندی به بهزیستی دیگران.

مراحل استدلال اخلاقی، کلبه‌گ:

- **سطح اول: اخلاق پیش عرضی:**
- **مرحله ۱:** جهت‌گزینی متمرکز بر تنبیه: برای گریز از تنبیه از قوانین اطاعت می‌کند.
- **مرحله ۲:** جهت‌گزینی متمرکز بر پاداش: هم‌رنگ دیگر می‌شود تا به پاداش و مزایا دست یابد.
- **سطح دوم: اخلاق متعارف**
- **مرحله ۳:** جهت‌گزینی متمرکز بر دختر خوب/ پسر خوب، برای مصون ماندن از سرزنش دیگران هم‌رنگ جماعت می‌شود.
- **مرحله ۴:** جهت‌گزینی متمرکز بر اطلاعات از مراجع قدرت: به قوانین اجتماعی گردن می‌نهد تا از توبیخ و احساس گناه ناشی از عدم انجام وظیف در امان باشد.

سطح سوم: اخلاق پس عرضی

- **مرحله ۵:** جهت‌گزینی متمرکز بر قرار داد اجتماعی: اعمال خود را برطبق اصولی که همگان بهزیستی جامعه الزامی می‌دانند هدایت می‌کند تا احترام همسالان و از این طریق احترام خود را حفظ کند.
- **مرحله ۶:** جهت‌گزینی متمرکز بر اصول اخلاقی: اعمال خود را برطبق اصولی که شخصا انتخاب کرده (اصولی که در آنها معمولاً عدالت، سرفرازی، و برابری واحد ارزش می‌شود). هدایت می‌کند و از اصول پیروی می‌کند تا مجبور به ملامت خویش نباشد.

*. قضاوت اخلاقی کودکان ۷ ساله و کوچکتر مربوط به سطح اول است. در ۱۳ سالگی معماهای اخلاقی در سطح دوم که سطح متعارف است تجزیه و تحلیل می‌شود.

- کودکان سه ساله در قضاوت خود اغلب به میزان خسارت توجه می‌کنند، اما کودکان ۴ یا ۵ ساله در ارزیابی خود از بد بودن کاری به تدریج قصد و نیت و هم پیامدهای عمل او را در نظر می‌گیرند.
- کودکان در ۴ سالگی می‌توانند دو مفهوم نیاز و موفقیت را به هم پیوند زنند.
- رفتار اخلاقی، علاوه بر توانایی استدلال در ارتباط با معماهای اخلاقی، به توانایی توجه به پیامدهای دراز مدت اعمال خود و توانایی همدلی با افراد دیگر (درک احساسات دیگران) بستگی دارد.

همانند سازی: تشابه چشمگیر بین بعضی ویژگی‌های فرزندان با والدین مثل راه رفتن و اوطوار. این مفهوم از مکتب روانکاوی ناشی شده است و نقشی کسب می‌کند که به رشد خویشتنداری، وجدان و نقش‌گزینی جنبی کمک می‌کند.

الگویابی جنسیتی: سبک آن دسته از ویژگی ها و رفتارهایی کخ فرهنگ هر جامعه ای برای زنان یا مردان خود مناسب تشخیص می‌دهد. نقش جنسیتی: میزان احساس مرد یا زن بودن قدرت او در کنترل محیط- ادراک کودک از شباهت هایی که بین خود و الگوی منتخب می‌بیند.

سردرگمی نقش: به علت تفاوت نظرات و ارزش های همسالان با خانواده، نوجوان دچار تعارض می‌شود و هر از چندگاهی تن به نقش تازه می‌دهد و نمی‌تواند برای خود هویتی واحد کسب کند.

- یکی از راه های کسب هویت آزمایش نقش ها و شیوه های رفتاری گوناگون است.
- **مراحل رشد روانی-اجتماعی اریک اریکسون:**
- نخستین سال زندگی: اعتماد برابر عدم اعتماد ۲- دومین سال: خود پیروی در برابر تردید ۳- سه الی پنج ابتکار در برابر احساس گناه ۴- شش تا بلوغ: کارایی در برابر احساس حقارت ۵- نوجوانی: هویت یابی در برابر سردرگمی ۶- اوایل بزرگسالی: صمیمیت در برابر کناره جویی ۷- میانسالی: زایندهگی در برابر فرورفتگی ۸- دوران پیری: تمامیت در برابر نومیدی
- **عناصر مشترک در رابطه رضایت بخش زناشویی:** ۱- احترام متقابل ۲- شکیبائی ۳- توانایی توافق برابر اهداف مشترک و پیشبرد آنها

مجموعه تست فصل ۲

- ۱- کدامیک معتقد بود ذهن انسان همانند لوحی نا نوشته است که تجارب وی بر آن نقش می‌بندد. همه دانش ما از طریق حواس به دست می‌آید ، یعنی دانش ما حاصل تجارب ماست و دانش چیزی درونی و ذاتی نیست ؟
الف-جان لاک ب-واتسون ج-اسکینر د-اریک اریکسون
- ۲- کدام مفهوم دوره های سرنوشت سازی در زندگی فرداست که طی آنها باید رویدادهای خاصی صورت گیرد تا رشد طبیعی میسر شود ؟
الف-دوره های حساس ب-هویت یابی ج-بلوغ د-رشد
- ۳- اثر محرومیت های اولیه در رشد کدامیک از مهارت های زیر پایدارتر است ؟
الف-احساس عاطفی ب-اجتماعی ج-حرکتی د-کلامی
- ۴- کدامیک اظهار داشت که نوزاد دنیا را به صورت صحنه ی آشفته ای از صوت و تصویر تجربه می‌کند ؟
الف-جان لاک ب-ویلیام جیمز ج-واتسون د-اریک اریکسون
- ۵- کدامیک در مورد توانایی شنوایی نوزاد صحیح است ؟
الف-نوزادان تفاوت بین صداهای مشابه را از قبیل دو صوت که روی مقیاس موسیقی فقط یک نت با هم تفاوت دارند در می‌یابند .
ب-نوباوه یکماهه می‌تواند صداهای مشابه مانند ((پا)) و ((با)) را از یکدیگر تمییز دهد .
ج-با رسیدن کودک به ۶ ماهگی ، می‌تواند اصواتی را که در زبانش رایج نیستند به کار نبرد .
د-پاسخ شامل همه موارد بالا است .
- ۶- کدامیک در مورد توانایی های نوزادان صحیح است ؟
الف-نوزادان از دقت بینایی کمی برخوردارند .
ب-نوزادان تفاوت مزه ها را تمییز می‌دهند و مایعات شیرین را بر شور ترجیح می‌دهند .
ج-نوزادان بوهای مختلف را نیز از هم تمییز می‌دهند .

د- همه موارد بالا

۷- نظریه رشد یا تحول شناختی که در آن کنش متقابل با تعامل بین جاندار و محیطی که در آن زندگی می کند ، نقش اساسی دارد ، مربوط به کدامیک از نظریه پردازان زیر است ؟

الف-برومر ب- لوین ج-بالدوین د-پیاژه

۸- در کدام یک از مراحل رشد شناختی ، کودکان سرگرم کشف رابطه ی بین اعمال خود و پیامد های آن اعمال هستند ؟

الف-مرحله ی حسی - حرکتی ب-پیش عملیاتی ج-عملیات عینی د-عملیات صوری

۹- کدام مفهوم یعنی آگاهی از این که حتی وقتی اشیا در معرض حواس نیستند ، باز هم وجود دارند ؟

الف-مفهوم نگهداری ذهنی ب-بازنمایی ذهنی ج-پایداری شی د-نمادی کردن

۱۰- در کدامیک از مراحل رشد شناختی پیاژه ، کودک اشیا را بر اساس یک ویژگی طبقه بندی می کند ؟

الف-مرحله ی حسی - حرکتی ب-پیش عملیاتی ج-عملیات عینی د-عملیات صوری

۱۱- در کدامیک از مراحل رشد شناختی پیاژه ، کودک به نگهداری ذهنی می رسد ؟

الف-مرحله ی حسی - حرکتی ب-پیش عملیاتی ج-عملیات عینی د-عملیات صوری

۱۲- در کدامیک از مراحل رشد شناختی پیاژه کودک می تواند درباره ی اشیا و رویدادها به طور منطقی فکر کند ؟

الف-مرحله ی حسی - حرکتی ب-پیش عملیاتی ج-عملیات عینی د-عملیات صوری

۱۳- از نظر ویگوتسکی ، کدامیک در رشد شناختی دارای نقش اساسی است ؟

الف-رشد زبان ب- رشد نماد سازی ج-رشد مهارت های ذهنی د-تعامل کودک با محیط

۱۴- در کدامیک از مراحل استدلال اخلاقی کلبرگ ، فرد همنوایی نشان می دهد تا از عدم تایید دیگران در امان بماند ؟

الف-اخلاق پیش عرفی ب-اخلاق عرفی ج-اخلاق پس عرفی د-هیچ کدام

۱۵- در کدامیک از مراحل استدلال اخلاقی کلبرگ ، فرد از اصول پیروی می کند تا از سرزنش خویشان در امان باشد ؟

الف-اخلاق پیش عرفی ب-اخلاق عرفی ج-اخلاق پس عرفی د-هیچ کدام

۱۶- در مرحله تناسلی ، پدیده ای که در دختران و پسران احساسات جنسی نسبت به والد غیر هم جنس به وجود می آید و حسادت و تنفر نسبت به والد هم جنس ایجاد می شود ، توسط فروید چه نامیده شد ؟

الف-عقده ادیپ ب-بازدودگی کودکی ج-تداعی آزاد د-تنفر

۱۷- آگاهی از این که جنسیت فرد ، به رغم تغییر سن و ظاهر او ثابت می ماند ، چه نامیده می شود ؟

الف-ناهمنوایی جنسیت ب-ثبات جنسیت ج-نقش آموزی جنسی د-هویت جنسی

۱۸- دوره ی تکامل جنسی که طی آن کودک از نظر زیستی به بزرگسالی برخوردار از توانایی تولید مثل تبدیل می شود ، چه نامیده می شود ؟

الف-قاعدگی ب-نوجوانی ج-بلوغ د-بزرگسالی

۱۹- پیامد مطلوب کدامیک از مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون اعتماد و خوش بینی است ؟

الف-نخستین سال زندگی ب- میانسالی ج-دوران پیری د- ۳ تا ۵ سالگی

۲۰- به نظر جیمز مارسیا ، اوج بحران یا تعلیق هویت در چه زمانی است ؟

الف-دوران بلوغ ب- بزرگسالی ج-در ۲ سال اول دانشگاه د-در دوران دبیرستان

۲۱- کسانی که برای مصون ماندن از سرزنش دیگران هم‌رنگ جماعت می‌شوند در کدام سطح از رشد اخلاقی قرار دارند؟

الف- سطح اول ب- سطح دوم ج- سطح سوم د- سطح چهارم

۲۲- در رابطه با مسائل اخلاقی وقتی فرد از اصول پیروی می‌کند تا در دام سرزنش خویشتن نیفتد عمل وی در کدام طبقه جای دارد؟

الف- اخلاق بیش عرفی در مرحله دوم ب- اخلاق عرفی در مرحله چهارم
ج- اخلاق پس عرفی در مرحله ششم د- اخلاق واقع‌گرا که جنبه قلبی دارد

۲۳- در فاصله سنی ۱۴ تا ۱۸ ماهگی کدام رفتار بیشتر نزد کودکان دیده می‌شود؟ (ارشد ۹۳)

الف- حسادت ب- خود محوری ج- اضطراب غریبگی د- اضطراب جدایی

۲۴- از نظر پیازه تخلیه کردن کودک جزء کدامیک از فرایندهای شناختی است؟

الف- سازماندهی ب- برون‌سازی
ج- بازگشت پذیری د- تعادل و سازگاری

پاسخ مجموعه تست فصل ۲

۱- گزینه الف

این سخن از جان لاک است (ص ۱۰۳ روان‌شناسی هیلگارد)

۲- گزینه الف

عبارت ذکر شده، مفهوم دوره‌های حساس در رشد انسان است (ص ۱۰۵ روان‌شناسی هیلگارد)

۳- گزینه د

اثر محرومیت‌های اولیه در رشد کلامی پایدارتر است (ص ۱۰۶ روان‌شناسی هیلگارد)

۴- گزینه ب

ویلیام جیمز اظهار داشت که نوزاد دنیا را به صورت صحنه‌ی آشفته‌ای از صوت و تصویر تجربه می‌کند (ص ۱۰۶ روان‌شناسی هیلگارد)

۵- گزینه د

همه گزینه‌های ذکر شده در مورد توانایی شنوایی نوزادان صحیح است (ص ۱۰۷ روان‌شناسی هیلگارد)

۶- گزینه د

همه موارد ذکر شده در مورد توانایی نوزادان صحیح است (ص ۱۰۶ و ۱۰۷ روان‌شناسی هیلگارد)

۷- گزینه د

پیازه بر تعامل رشد طبیعی استعدادها، کودک یا پیوندهای وی با محیط تاکید دارد (ص ۱۰۹ روان‌شناسی هیلگارد)

۸- گزینه الف

مرحله حسی-حرکتی، مرحله‌ای است که در آن کودکان سرگرم کشف رابطه بین اعمال خود و پیامدهای آن اعمال هستند

(ص ۱۰۹ روان‌شناسی هیلگارد)

۹- گزینه ج

مفهوم پایداری شیء یعنی آگاهی از این که حتی وقتی اشیاء در معرض حواس نیستند، بازهم وجود دارند (ص ۱۰۹ روان‌شناسی هیلگارد)

۱۰- گزینه ب

در مرحله پیش‌عملیاتی، کودک اشیاء را بر اساس یک ویژگی طبقه‌بندی می‌کند (ص ۱۱۰ روان‌شناسی هیلگارد)

۱۱- گزینه ج

در مرحله عملیات عینی، کودک به نگهداری ذهنی می‌رسد (ص ۱۱۰ روان‌شناسی هیلگارد)

- ۱۲- گزینه ج
در مرحله عملیات عینی، کودک می تواند درباره ی اشیا و رویدادها به طور منطقی فکر کند (ص ۱۱۰ روانشناسی هیلگارد)
- ۱۳- گزینه الف
ویگوتسکی، رشد زبان را در رشد شناختی دارای نقش اساسی دانست (ص ۱۱۶ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۴- گزینه ب
این مرحله مربوط به اخلاق عرفی و مرحله سوم است جهت گزینی بر اساس الگوی دختر خوب/ پسر خوب (ص ۱۱۸ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۵- گزینه ج
مربوط به سطح سوم یعنی اخلاق پس عرفی و مرحله ۶ است (ص ۱۱۸ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۶- گزینه الف
این پدیده، عقده ادیپ نامیده می شود (ص ۱۲۶ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۷- گزینه ب
تعریف مربوطه، مربوط به ثبات جنسیت است (ص ۱۲۸ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۸- گزینه ج
تعریف مربوطه به دوره بلوغ اطلاق می گردد (ص ۱۳۰ روان شناسی هیلگارد)
- ۱۹- گزینه الف
پیامد مطلوب نخستین سال زندگی، اعتماد و خوش بینی است
- ۲۰- گزینه ج
از نظر مارسیا، بحران یا تعلیق در ۲ سال اول دانشگاه به اوج می رسد (ص ۱۳۲ روان شناسی هیلگارد)
- ۲۱- گزینه ب
- ۲۲- گزینه ج
- ۲۳- گزینه د
- ۲۴- گزینه ج

فصل ۳:

ادراک

بررسی ادراک با دو کارکرد اصلی دستگاه ادراکی سر و کار دارد: مکان یابی یا تعیین محل اشیا و بازشناسی یا تعیین چیستی اشیا. هدف دیگر دستگاه ادراکی، ثبات ادراکی است، یعنی ثابت نگاه داشتن شکل ظاهری اشیا به رغم تغییر دایمی تصویر آنها بر شبیکه ی چشم. از مکان یابی فضایی برای پیدا کردن راه خود در محیط استفاده می کنیم. هدف های اصلی ادراک: ۱- مکان یابی، ۲- بازشناسی، ۳- ثبات ادراکی

- باید دانست که مکان یابی و بازشناسی در همه ی حس ها در کار است. مثلاً بویایی برای شناسایی غذا، از لامسه برای بازشناسی سکه ی ۵۰ ریالی در جیب و از حس تنی برای بازشناسی اینکه در اتاقی تاریک ایستاده ایم سود جست.

قشر بینایی مغز بر اساس اصل تقسیم کار عمل می کند. مکان یابی و بازشناسی را ناحیه های متفاوتی از مغز انجام می دهند. مکان یابی در ناحیه ی نزدیک به بخش فوقانی قشر مخ و بازشناسی در ناحیه ی نزدیک به قاعده ی قشر مخ انجام می شود. فرایندهای بازشناسی نیز به واحدهای مجزایی تقسیم می شوند، از قبیل بازشناسی رنگ، شکل و بافت.

نورون های قشر بینایی نخستین به بسیاری از ویژگی های تصاویر دیداری، همچون روشنی و رنگ و جهت و حرکت حساسند. اما یکی از مهمترین ویژگی های این نورون ها این است که هر یک تجزیه و تحلیل، فقط ناحیه ی بسیار کوچکی از هر تصویر را بر عهده دارد.

برای یافتن مکان اشیا، نخست باید آنها را از هم تفکیک کرد و سپس به صورت گروه هایی سازمان داد. این فرایندها را نخست روانشناسان گشتالت بررسی کردند و اصول سازماندهی را مطرح ساختند. یکی از این اصل ها این است که آدمی هر محرک را به دو حوزه‌ی شکل و زمینه تقسیم می کند با استفاده از اصل های دیگر سازماندهی، از مجله مجاورت، تکمیل، شباهت و امتداد مناسب اشیا را گروه بندی می کنیم. روان شناسی گشتالت بر اهمیت ادراک کل شی یا شکل تاکید می ورزد و درباره چگونگی سازمان یافتن اشیا در مغز چند اصل مطرح ساختند. سازمان شکل و زمینه در ذهن ما وجود دارد نه در محرک. عوامل تعیین کننده ی گروه بندی گشتالتی در درون هر طرحی پایدارترین و هماهنگ ترین و ساده ترین شکل ممکن را می سازند. اگرچه گروه بندی ادراکی عمدتاً در زمینه ادراک بینایی بررسی شده است. با این حال عوامل گروه بندی در شنوایی نیز دخالت دارند. عامل مجاورت آشکارا در شنوایی نیز در کار است (البته بیشتر مجاورت زمانی است تا مجاورت مکانی)

چهار ضربه ی طبل با وقفه ی بین ضربه ی دوم و سوم، به صورت دو جفت ضربه شنیده می شود. شباهت و تکمیل نیز نقش مهمی در شنیدن نت ها و محرک های پیچیده تر بر عهده دارند (برگمن ۱۹۹۰)

مکان یابی شی مستلزم درک فاصله یا عمق آن است، تصور می رود که ادراک فاصله (عمق) بر نشانه های فاصله (عمق) مبتنی است.

برای دانستن جای هر چیز، باید فاصله یا عمق آن را معلوم کنیم. تصویری که بر روی شبکه تشکیل می شود مسطح است و به هیچ وجه عمق ندارد بنابراین باید با کمک نشانه های دو بعدی یا نشانه های عمق در جهانی سه بعدی فاصله را استنباط نماییم. چند نشانه را با هم می آمیزند و فاصله ی ادراک شده را رقم می زنند. این نشانه ها را به دو دسته نشانه های یک چشمی و دو چشمی (برحسب در کار بودن یک یا هر دو چشم) تقسیم می کند.

با فقط یک چشم هم می توان با استفاده از نشانه های یک چشمی تا حد زیادی ادراک عمق کرد. ۵ نمونه از نشانه ها عبارتند از: ۱- اندازه نسبی: وقتی به تصویر ردیفی از اشیای همانند اما متفاوت از لحاظ اندازه نگاه می کنیم اشیا کوچکتر در فاصله ی دورتری به نظر می آیند (مانند ردیف درختان)

۲- پوشاندگی: اگر شی طوری در تصویر قرار گرفته باشد که مانع دیده شدن شی دیگری گردد، شی پوشاننده نزدیک تر به نظر می آید (مثل تصویر خانه ای که خانه ی دیگر را پوشانده است)

۳- ارتفاع نسبی: از میان اشیا همانند انتهایی که نزدیکتر به خط افق باشند دورتر ادراک می شوند مثل پرواز پروندگان

۴- عمق نمایی خطی: هنگامی که خطوط موازی، همگرا به نظر می آیند، طوری ادراک می شوند که گویی در دور دست ناپدید می گردند (مثل ریل قطار)

۵- سایه و تیره گی: اگر سایه بر سطح دیگری بجز شی سایه کننده ایجاد شود آن را سایگی می نامیم. هر دو نوع سایه نشانه های مهمی برای ادراک فاصله یا عمق همراه دارند.

یکی دیگر از نشانه های مهم یک چشمی، از حرکت مایه می گیرد. تفاوت ظاهری در سرعت حرکت اشیا نشانه ای حاکی از فاصله آنها از ماست و این نشانه را اختلاف منظر حرکتی می نامند.

ادراک فاصله و عمق با دید دو چشمی بسیار بهتر از دید یک چشمی است.

نشانه های دو چشمی عمق عبارت است از ناهمخوانی دو چشمی.

ناهمخوانی دو چشمی ناشی از این است که هر شی در چشم چپ و راست تصویرهای نسبتاً متفاوتی ایجاد می کند.

مکان یابی شی گاهی مستلزم دانستن جهت حرکت شی نیز هست. برای ادراک حرکت لازم نیست که تصویر شی بر روی شبکه ی چشم حرکت کند. برای نمونه در حرکت استروبوسکوپی یک سلسله تصاویر ثابت و پی در پی، حرکتی ظاهری را به ذهن القا می کنند. مثل: روشن و خاموش کردن لامپ هایی کوچک در تاریکی به فاصله چند هزارم ثانیه در یک ردیف، اینگونه به نظر می آید که لامپ ها از جایی به جایی حرکت کرده اند، حرکتی که قابل تمیز از حرکت واقعی نیست. حرکت موجود در فیلم ها حرکت استروبوسکوپی است (چون یک رتبه عکس با توالی سریع روی پرده می افتند)

نمونه دیگری از ادراک حرکتی در غیاب شی متحرک، حرکت القایی است که در آن، حرکت شی بزرگتر موجب حرکت ظاهری شی ثابت کوچکتر می شود. همین پدیده را می توان در شب هایی که باد می وزد مشاهده کرد، در چنین شب هایی به نظر می رسد که ماه به سرعت از میان ابرها می گذرد.

ادراک حرکت واقعی (یعنی حرکت واقعی اشیا در فضا، کار نوروں های ویژه ای در دستگاه بینایی، است. این امر از راه تثبیت فعالیت تک نوروں ها و آزمایش هایی درباره انطباق انتخابی اثبات شده است.

تحلیل حرکت امری بسیار نسبی است. آدمی حرکت را در شرایطی بهتر در می یابد که شی در زمینه ای ساختمند باشد (حرکت نسبی) تا در شرایطی که زمینه ای به رنگ یکدست باشد که تنها شی متحرک در آن دیده شود (حرکت مطلق) زوال حساسیت به حرکت در هنگام تماشای حرکت، حرف کدام پدیده در مبحث ادراک است؟ (ارشد ۹۶-۹۵)

الف- انطباق انتخابی

ب- حرکت القایی

ج- حرکت استروپوسکوپی

د- ناهشیاری

پاسخ گزینه الف است.

پدیده ای مهم دیگری در بررسی حرکت واقعی، انطباق انتخابی است. انطباق انتخابی به معنای زوال حساسیت به حرکت در هنگام تماشای حرکت است. اگر مدتی به ابشاری خیره شویم و سپس به صخره کنار آبشار نگاه کنیم به نظر می رسد که صخره به سمت بالا حرکت می کند بیشتر حرکت ها، این نوع رد حسی را در جهت مخالف خود ایجاد می کنند.

بازشناسی شی، یعنی انتخاب آن به یک مقوله، عمدتاً بر اساس شکل شی، صورت می گیرد. در مراحل اولیه ی بازشناسی، دستگاه بینای اطلاعات شبکه یی را به کار می گیرد تا شی را بر حسب ویژگی هایی از قبیل خطوط و زوایا توصیف کند. نوروں هایی که چنین ویژگی هایی را تشخیص می دهند (ویژگی یا بها) در قشر بینایی مغز کشف شده اند در مراحل بعدی بازشناسی، دستگاه بینایی توصیف شی را با توصیف شکلهایی که در حافظه اندوخته شده مقایسه می کند تا بهترین همتا را بیابد.

همتایی را می توان به مدد نوعی الگویی پیوندگرا یا شبکه تبیین کرد. ویژگی ها در سطح پایین شبکه و حروف در سطح بالای شبکه قرار دارند. پیوند تحریکی بین ویژگی و حرف به این معنا است که ویژگی بخش از حرف است. اما پیوند بازداری به این معنا است که ویژگی جز آن حرف نیست. وقتی حرفی ارائه می شود، برخی از ویژگی های شبکه فعال می شوند و این ویژگی ها به نوبه ی خود فعالیت یا بازداری را به حروف انتقال می دهند حرفی که بیشترین تحریک را دریافت کند بهترین همتای درون داده است. شبکه را می توان به نحوی گسترش داد که سطحی از واژه ها را نیز در برگرد و از این راه می توان تبیین کرد که چرا شناسایی حرف به صورت بخشی از یک واژه، آسانتر از شناسایی آن به صورت منفرد است. ویژگی های شکلی اشیا طبیعی، پیچیده تر از ویژگی های خطوط است این ویژگی های شکلی شبیه شکل های هندسی ساده یی از قبیل مخروط، استوانه، مکعب و گوه است. احتمالاً با ترکیب تعداد محدودی از این شکل ها می توان شکل حجمی همه ی اشیا را که برای آدمی قابل بازشناسی است توصیف کرد.

تمایز میان فرایندهای صعودی و نزولی، از تمایزهای اساسی در ادراک است، فرایندهای صعودی تنها با درون دادهها فعال می شوند، حال آنکه فرایندهای نزولی با دانسته ها و انتظارات شخص به جریان می افتد. برای نمونه، بازشناسایی شی به عنوان چراغ، بر اساس توصیف حجم های بنیادی آن، فرایند صعودی است. کار با ویژگی های ابتدایی درون داده شروع می شود، به تشخیص پیکربندی حجم های بنیادی می رسد و سرانجام مقایسه ی توصیف این درون داد با توصیف شکل های اندوخته در حافظه صورت می گیرد. برعکس بازشناسی چراغ خواب روی میز کنار تخت خواب مسلماً مستلزم برخی فرایندهای نزولی است، فرایندهای نزولی همان فرایندهایی هستند که در تاثیر نیرومند بافت بر ادراک آدمی از اشیا اشخاص نهفته اند. مثلاً اگر انتظار دارید که همکلاسی خودتان را هر روز ساعت ۳ بعدازظهر در آزمایشگاه ببینید، اگر همکلاسی شما همان موقع وارد آزمایشگاه شود نیازی نیست کاملاً نگاه کنید تا بتوانید بگویید خودش است معلومات قبلی شما به انتظار نیرومندی انجامیده است.

